

حقوق شهروندی و نظارت

« حقوق عامه »

دکتر حسین محمد نبی

آبانماه ۱۳۸۹

" مقدمه "

آنچه در تاریخ از آن یاد شده است متجاوز از پنج هزار سال قبل از میلاد زندگی مردم ساکن زمین از غارنشینی دچار دگرگونی گردید و بدنبال این دگرگونی فرهنگ های جدید بوجود آمد که نمی توان گفت این فرهنگها همسان بوده است . اما در برخورد این فرهنگ ها با یکدیگر و ایجاد رابطه با هم و به نوعی مراودات بازرگانی ، حقوقی را برای مردم بر خود متصور شدند.

در ایران کهن نیز تمدن موجود و ساکنان آن از هزاره ششم تا چهارم قبل از میلاد وجود ارتباط فیمابین مردم مناطق مختلف ایران زمین و زندگانی آنان و آثار مدنیّت و امپراطوری عیلامی در غرب ایران زمین که یکی از معتبرترین تمدن های باستانی بشر بوده است . در این دوران پدر سالاری جای خود را به نظامی جدید بنام مادر سالاری می داد و بحث تقسیم کار اجتماعی مطرح می شد و باعث شد در این دوران تا مردم به شهرنشینی روی آوردند و حسب اظهار باستان شناسان و مورخین کوچ آریائی ها بسوی سرزمین غربی و جنوب غربی آغاز شد و گروهی نیز از راه شمال دریای خزر به سوی اروپا مهاجرت کردند و گروهی نیز به قفقاز رفتند . گروههای دیگری نیز به سوی سرزمین کاسپین سرازیر شدند و سپس در هزار سال بعد بلحاظ کشمکش های قومی مهاجرتهایی نیز از دو سوی دریای خزر و همزمان به سوی سرزمین های جنوبی مانند سیستان و هند رخ داد .

این مهاجران جدید سرزمین خود را ائومینه و تچه (۱) سرزمین ویژه آریائی نام نهادند و آنهائیکه به سوی هند رهسپار شدند اقامتگاه خود را آریاورته (۲) نامیدند . آریائی به معنی اشرف یا سالار است در واقع به مردی که به لهجه یا زبان های شرقی هند و اروپائی سخن می گفتند اطلاق می شده . این سرزمین پر برکت ، (ایران شهر) و سپس به مرور ائیونا (آریانا) و ایران نامیدند و بلحاظ داشتن و سعی بیش از ایران کنونی ، گاه در متن های ایران شناسی به زبان انگلیسی بنام ایران بزرگ می نامیدند در جامعه بزرگ بوجود آمده در ایران زمین ، نبرد ساکنانش ، طبیعت و قدرت های برون جامعه ای ، حالتی را به وجود آورد که نیروهای دو گانه خوبی و سودمندی از یک سو و بدی و

ویرانگری از سوی دیگر بیشتر مشخص و متمایز بشوند. در نظام هستی اهورامزدا به مثابه خیر مطلق و روشنائی و اهریمن به مثابه شر مطلق و تاریکی است و در درون هر انسان نفس خیر و سعادت و گمراهی و شر موجود است.

زرتشت

کریستین سن عقیده دارد (۳) که تحلیل دین زرتشت دین ایرانیان قدیم یکتا پرستی ناقص بوده است. در این دین ایزدان بسیار وجود دارند ولی می توان گفت که همه آنها تجلیات ذات مزدا است که سرانجام به پیروزی نور بر ظلمت حق بر باطل و نیکی بر بدی می انجامد و می گوید زرتشت معتقد بود که در روز رستاخیز نیکان را به بهشت می برد و بدان را گرفتار آتش سوزان می سازد.

(۱) یوسف زاده ص -

دکتر ناصر تکمیل همایون. کتاب تاریخ ایران

عهد هخامنشیان

از سده نهم قبل از میلاد از هخامنشیان سوابقی در کتیبه های آشوری دیده شده است از میان شاهان این سلسله در ۷۰۰ سال ق. م حکومت منطقه ای را به ریاست هخامنش در پارس آغاز کردند. چایش پیش کمبوجیه اول - کوروش اول و چایش پیش دوم از پادشاهان دوره اول سلسله مذکور بودند و سپس دو شاخه شدند و شاخه اصلی در انزان (شوش) و عیلام پادشاهی خود را اول دادند که کوروش دوم - کمبوجیه دوم و کوروش بزرگ (کوروش سوم) و کمبوجیه سوم شاخه دیگر در پارس حکمرانی کردند که آریا رامنه، آرشام، ویشتاسب و داریوش اول بودند.

کوروش سوم (کوروش کبیر) در اسنا (باستانی و تاریخی و دینی اقوام مختلف جهان ازو به نیکی یاد کرده اند، در آن سازمان مرزهای ایران تا مصر و مدیترانه از مغرب رود سند از مشرق رود سیمون از شمال خلیج فارس و دریای هند از جنوب امتداد داد، او بابل را در سال ۵۳۸ ق. م فتح کرد و یهودیان به اسارت در آمده در دوره بخت النصر را آزاد کرده و به کشور خود بازگرداند و معابدشان را آنها از نو بر پا کردند و بهمین جهات است که کوروش در کتاب مقدس آنها به نیکی از او یاد شده است. در قرآن از او به عنوان ذوالانوار نام برده شده است. در زمان او ملل مختلف تحت حکومت او

از رفاه و آرامش و عزت و احترام کامل بهره مند بودند ذوالقرنین در کتاب قرآن مجید در آیات کریمه سوره کهف از ۸۳ تا ۹۸ بنا به گفتار دانشمندان وحدت پرس و ماد ذوالقرنین پدید آمد که کوروش نماینده اقتدار و موجودیت این پادشاهی بود. یهودیان این نام را به کوروش اختصاص داده اند در قرآن مجید نیز اشاره است به کوروش که برای نخستین بار در غرب و مشرق عالم شناخته شد مردی خداشناس و موحد. لوح حقوق بشر او حکایت از این دارد که ایران زمین همواره خود پیشرو در حفظ حقوق بشر بوده است در قسمتی از اعلامیه مشهور و جاودانی او آمده است.

من کوروش هستم شاه جهان، شاه بزرگ، شاه نیرومند، شاه بابل، شاه کشور سومر و اگد شاه چهار گوشه عالم، پسر شاه بزرگ کمبوجیه، شاه شهرانشان، نوه شاه بزرگ کوروش، شاه شهرانشان، نواده شاه بزرگ چیش پیش، شاه انسان، فرزند ابدی سلطنتی که لعل و نبر سلطنت او را دوست دارند و از پادشاهی او در قلب خودشاد ماند.

هنگامی که من با صلح وارد بابل شدم و شادی مقرر پادشاهی خود را در کاخ شاهزاده قرار دادم، آن گاه مردوک، خدای بزرگ قلب گشوده بابلیان را به من متمایل کرد و من هر روز به پرستش و ستایش او می پردازم. « من در بابل در تمامی شهرهای آن مراقب رستگاری و سلامت اهالی بابل بودم تا مسکن آنها بنا به میل خدا همچون یوغی نباشد که برای آنها متناسب نباشد.»

« من ویرانه آن ها را آباد کردم، فقر آنها را بهبود بخشیدم، مردوک خدای بزرگ از اعمال پرهیزکارانه من شادمان شد خدایانی را که آن جا ساکنند، من به محل آنها بازگرداندم و مسکن آنها را برای ابد بزرگ ساختم من تمام مردم آنها را گرد آوردم و به محل اقامت خود بازگرداندم.»

« من برای همه انسانها آزادی پرستش خدایانشان را برقرار کردم و فرمان دادم که هیچ کس حق ندارد به این دلیل مورد بدرفتاری قرار گیرد. من فرمان دارم هیچ خانه ای ویران نشود و هیچ ساکنی از آن محروم نشود و من صلح و آسایش را برای تمام انسانها تضمین کردم.»